

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



گروه زبان و ادبیات فارسی

نقد و تحلیل دیوان امیر خسرو دهلوی

استاد راهنما :

دکتر حسین نوین

استاد مشاور :

دکتر احسان شفیقی

توسط :

سیده لیلا اسدی

دانشگاه محقق اردبیلی

زمستان ۱۳۸۸



نقد و تحلیل دیوان امیر خسرو دهلوی

توسط :

سیده لیلا اسدی

پایان نامه برای اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه محقق اردبیلی

اردبیل - ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته ی پایان نامه با درجه ی : عالی

دکتر حسین نوین (استاد راهنما و رئیس کمیته)..... استادیار

دکتر ابراهیم رنجبر (داور داخلی)..... استادیار

دکتر علی صفایی (داور خارجی)..... استادیار

دکتر احسان شفیقی (استاد مشاور)..... استادیار

تقدیم به :

استاد فرزانه ام که اشارت ایشان ، بشارت دوستان است

دکتر مسین نوین

نوگل زندگی ام که دلگرمی کاره بود

شبنم

تمام امیدم در زندگی

که نگاهشان بی همتاترین است در عشق ورزیدن

پدر و مادره

آن که بهار زندگی ام

به ترنم ممبّتش آکنده است

همسره

سپاس گزاری

کار حاضر تنها حاصل خوشه چینی از خرمن دانش استادان گران قدر زبان و ادبیات فارسی و ادای وظیفه ای در قبال انس و الفتی است که طی روزگاران با بزرگان شعر و ادب فارسی داشته اند.

ضمن ادای سپاس نسبت به همه ی کسانی که در راه معرفی این سخنور بزرگ گام هایی برداشته اند، بر خود لازم می دانم از راهنمایی های استاد ارجمندم جناب آقای دکتر حسین نوین که در روز نخست همّت ایشان سلسله جنبان این مقصود گردید و با گشاده رویی و حوصله ی زیاد راهگشای این توفیق شدند، سپاس گزاری نمایم و نیز از هدایت های استاد گران مایه جناب آقای دکتر احسان شفیقی که در تدوین این پایان نامه مرا یاری دادند و با نکته یابی های خود مرا مددکار شدند تشکر می نمایم. هم چنین از داور داخلی جناب آقای دکتر ابراهیم رنجبیر و داور خارجی جناب آقای دکتر علی صفایی که با نکته سنجی ها و نظرات ارزنده شان مرا مورد لطف خویش قرار دادند سپاس گزارم.

در پایان از همکاری بی شائبه ی برادر عزیزم جناب آقای سید حقیقت اسدی که با دلسوزی تمام در تهیه ی منابع لازم و پیشبرد کارهای مربوط به پایان نامه بنده را یاری نمودند تشکر می نمایم و از زحمات خواهر عزیزم نرگس علی آبادی که در تایپ و ویرایش یاریگر بنده بودند سپاس گزارم.

نام خانوادگی دانشجو: اسدی	نام: سیده لیلا
عنوان پایان نامه: نقد و تحلیل دیوان امیر خسرو دهلوی	
استاد راهنما: دکتر حسین نوین	
استاد مشاور: دکتر احسان شفیقی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات فارسی
محقق اردبیلی	دانشگاه: محقق اردبیلی
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	تاریخ فارغ التحصیلی: ۱۳۸۸/۱۱/۱۳
	تعداد صفحه: ۲۳۸
کلید واژه ها: نقد و تحلیل / محتوا / سبک / دیوان امیر خسرو دهلوی	
<p>چکیده: این پایان نامه شامل چهار فصل است. در فصل اول که به کلیات اختصاص داده شده، مقدمه ای آمده و مسأله بیان شده؛ آن گاه سؤالاتی مطرح و فرضیه ها عنوان شده؛ سپس اهداف و روش تحقیق مشخص گردیده است. در فصل دوم که مروری بر مبانی نظری و پیشینه ی تحقیقاتی است، سعی شده درباره ی پیشینه ی نقد و انتقاد و اهداف آن مطالبی ذکر شود؛ آن گاه آن چه را که پیرامون زندگی شخصی امیر خسرو شایان گفتن است مکتوب گردد. ابیاتی نیز که مربوط به حسب حال امیر بوده از دیوان استخراج و در خلال مطالب درج شده است. فصل سوم که اصلی ترین بخش پایان نامه است بر دو بخش تقسیم گردیده؛ در بخش اول که نقد و تحلیل محتوایی است مواردی چون خداشناسی، عرفان، تصوّف، عشق و... پرداخته شده و شواهد موجود نیز از دیوان استخراج گردیده است. در بخش دوم که نقد و تحلیل سبک شناسی است به بررسی مباحث عروضی و صنایع ادبی و نکات دستوری دیوان و تأثیر پذیری او از شاعران ماقبل و تأثیر گذاری بر شاعران ما بعد پرداخته شده است آن گاه برای جمع بندی مطالب ویژگی های سبک عراقی و هندی در غزلیات او مورد بررسی واقع شده است. از آن جا که پرداختن به صور خیال از قبیل انواع استعاره و مجاز و تبیین و تشریح آرایه های لفظی و معنوی به صورت کامل در دیوان امیرخسرو بیش از حوصله ی این تحقیق می نمود؛ پیشنهاد بنده این است که اگر روزی امکان کار برای دانشجویان گرامی فراهم شود از واجب ترین اموری است که باید بدان پرداخت.</p>	

فهرست مطالب

فصل اوّل : کلیّات

- ۱-۱: مقدمه ۱
- ۲-۱: بیان مسأله ۲
- ۳-۱: سوّالات ۳
- ۴-۱: فرضیه ها ۴
- ۵-۱: هدف و ضرورت تحقیق ۴
- ۶-۱: روش اجرای طرح ۵
- ۷-۱: پیشینه ی تحقیق ۵

فصل دوّم : تعاریف و مبانی

- ۱-۲: مروری بر پیشینه ی نقد و اهداف آن ۹
- ۲-۲: وضع زبان و ادب فارسی ۱۲
- ۳-۲: اوضاع زبان فارسی در هند ۱۳
- ۴-۲: مروری بر زندگی نامه ی شاعر ۱۴
- ۵-۲: سبک شاعری امیرخسرو ۲۶

فصل سوّم : بحث و نتایج

- ۱-۳: خدا از دیدگاه امیرخسرو ۳۲
- ۱-۱-۳: اسما و صفات ۳۳
- ۲-۱-۳: صفات لطف و قهر ۳۳
- ۳-۱-۳: انسان و اسما ۳۴
- ۲-۳: وحدت وجود ۳۵
- ۳-۳: تصوّف و عرفان ۳۷
- ۴-۳: رموز عارفانه ۳۸

۵۴ ۵-۳: زبان تصوّف امیر خسرو
۵۵ ۱-۵-۳: عدّت سرّی بودن زبان تصوّف
۵۵ ۲-۵-۳: نام های زبان تصوّف
۵۶ ۳-۵-۳: کاربرد باژگونه ی واژه ها
۵۷ ۴-۵-۳: نکته ی عشق
۵۷ ۵-۵-۳: رمز عشق
۵۸ ۶-۵-۳: سخنان نازک
۵۸ ۶-۳: تأثیر قرآن در غزلیات امیرخسرو
۶۱ ۷-۳: جبر و اختیار
۶۴ ۸-۳: زهد و رندی
۶۹ ۹-۳: غزلیات قلندرانه
۷۳ ۱۰-۳: دعاهاى امیر خسرو
۷۳ ۱-۱۰-۳: تعریف دعا و نیایش
۷۴ ۲-۱۰-۳: تأثیر امیر خسرو از قرآن در مسأله ی دعا و نیایش
۷۶ ۱۱-۳: سوگند
۸۰ ۱۲-۳: عشق و جنبه های آن
۹۰ ۱۳-۳: موعظه و اخلاق
۹۴ ۱۴-۳: دنیا در نگاه امیر خسرو
۹۶ ۱۵-۳: وصف در غزلیات امیر خسرو
۹۹ ۱۶-۳: اسطوره
۱۰۲ ۱-۱۶-۳: ذکر نام انبیای قرآن کریم
۱۱۱ ۲ - ۱۶ - ۳: ذکر نام پادشاهان و شخصیت‌های اساطیری و تاریخی
۱۱۵ ۳-۱۶-۳: داستان های عارفان

۱۱۵ ۳-۱۶-۴: داستان های عاشقان
۱۱۷ ۳-۱۶-۵: موجودات و اعتقادات اساطیری
۱۱۹ ۳-۱۷: اقسام شعر غنایی موجود در دیوان
۱۲۲ ۳-۱۸: وزن
۱۳۹ ۳-۱۹: تعداد ابیات غزل
۱۴۰ ۳-۲۰: ردیف
۱۴۳ ۳-۲۱: قافیه
۱۴۸ ۳-۲۲: آرایه های ادبی
۱۴۸ ۳-۲۲-۱: آرایه های آوایی
۱۵۸ ۳-۲۲-۲: آرایه های معنایی
۱۸۰ ۳-۲۰-۲: تعبیرات شاعرانه ی خسرو
۱۸۰ ۳-۲۰-۱: تعبیرات مفرد شاعرانه
۱۸۱ ۳-۲۰-۲: صفات منطقی و صفات شاعرانه
۱۸۱ ۳-۲۰-۳: صفت برای توصیف
۱۸۲ ۳-۲۰-۴: شخصیت بخشی به وسیله ی صفات
۱۸۳ ۳-۲۰-۵: خلق صفات تازه
۱۸۳ ۳-۲۰-۶: صفت آوری برای ایجاد همبستگی شاعرانه
۱۸۴ ۳-۲۰-۷: صفت آوری و تشبیه
۱۸۴ ۳-۲۰-۸: صفت آوری و ایجاز
۱۸۵ ۳-۲۰-۹: صفت آوری برای رعایت وزن و قافیه
۱۸۵ ۳-۲۰-۱۰: صفات شاعرانه در شعر غنایی امیر خسرو
۱۸۶ ۳-۲۰-۱۱: صفات شاعرانه در شعر تعلیمی و اخلاقی
۱۸۶ ۳-۲۰-۱۲: صفات شاعرانه در شعر ستایشی
۱۸۸ ۳-۲۴: ابهام
۱۸۹ ۳-۲۵: ملّمع

۱۹۰	۲۶-۳: برخی از قواعد دستوری کهن در دیوان
۱۹۸	۲۷-۳: ساختمان های ترکیبی و اشتقاقی فعال و زنده ی دیوان
۲۱۲	۲۸-۳: سبک اقتباسی
۲۱۶	۱-۲۸-۳: مقلدان امیر خسرو
۲۱۷	۲-۲۸-۳: بررسی مقایسه ای غزلی از سعدی و امیر خسرو
۲۲۳	۲۹-۳: ویژگی های سبک عراقی در غزل امیر خسرو
۲۲۹	۳۰-۳: انواع سبک های موجود از نظر موضوعی در دیوان امیر خسرو
۲۲۹	۱-۳۰-۳: سبک های فرعی مکتب عراقی
۲۲۹	۳۱-۳: رد پای سبک هندی در دیوان امیر خسرو

فصل چهارم

۲۳۲	نتیجه گیری
۲۳۵	فهرست منابع

چکیده ی انگلیسی

فصل اوّل

کلیات

امیر خسرو دهلوی بی تردید بزرگترین شاعر پارسی گوی هند و یکی از شاعران شیرین سخن و نیرومند فارسی است. او در غزل از سعدی و در مثنوی از نظامی و در حکمت و موعظه از سنایی و خاقانی و در قصیده از رضی الدین نیشابوری و کمال الدین اسماعیل پیروی کرده است. به این سبب خواننده در شعر این شاعر به سبک های مختلف باز می خورد که در عین حال به یاری طبع روان و ذوق خداداد و حدت ذهن و به سبب این که در محیط جدیدی از ادب فارسی تربیت شده و لهجه ای نو و ترکیب هایی تازه و اندیشه هایی خاص نصیبش گردیده بود طبعاً تازگی های بسیار و مضمون های نو فراوان در سخن وی مشاهده می شود و شاعران و نویسندگان دوران بعد بارها از او به استادی یاد کرده اند.

دیوان امیر خسرو شامل انواع مختلف شعر غیر از مثنوی های اوست. واژگان و اصطلاحات به کارگرفته شده در دیوان او نشانگر این مطلب است که امیر خسرو علاوه بر اطلاعات وسیع از زبان های فارسی و ترکی و عربی و ادبیات این هر سه زبان، به زبان هندی و ادب آن نیز آشنایی داشت. امیر خسرو به حق یکی از پرکارترین شاعران پارسی گوی است که تا حد زیادی به شیوه ی قدما نظر دارد. خود او که با دقت و بی طرفی آثار خود را انتقاد می کند در مقدمه ی یک دیوان - غرّة الکمال - خویش اعتراف دارد که در شعر استاد نیست. این اعتراف بی شک از فروتنی درویشانه ی او مایه دارد. درست است که او چنانکه خود می گوید، نه طرز خاصی ابداع کرده و نه در لفظ و معنی از خطا مصون مانده است لیکن بیانش قوی، طبیعی و استادانه است.

تنوع سبک که در آثار او محسوس است رنگ خاصی به شعر او می دهد. هیچ فنی از فنون شعر و هیچ سبکی از اسالیب مهم قدما نیست که خسرو کم و بیش در آن طبع آزمایی نکرده باشد. عبدالحسین زرین کوب در کتاب خود تحت عنوان با کاروان حله، درباره ی تأثیر پذیری امیرخسرو از شاعران ما قبل خود می نویسد: «خواننده ی دیوان او جای جای لحن سنگین و موقر خاقانی را در کنار بیان شیرین سعدی می یابد و گاه اسلوب لطیف نظامی را با شیوه ی مؤثر و عمیق سنایی همراه می بیند. حتی از توجه به صنعت و تکلف که اسلوب ادیب و صابر و رشید و طواط و عبدالواسع جبلی را بی مزه و خنک کرده است هم غافل نمانده است. از این ها گذشته، خودش اذعان دارد که در غزل به سعدی، در مثنوی به نظامی، در حکمت و موعظه به سنایی و خاقانی و در قصاید مدحی به رضی الدین نیشابوری و کمال الدین اسماعیل

نظر داشته است. در هر حال جامی درست گفته است که خمسه ی نظامی را کسی بهتر از او جواب نگفته است.» (زرّین کوب، ۱۳۷۳)

سیروس شمیسا در کتاب خود تحت عنوان سبک شناسی شعر درباره ی مزیت امیر خسرو نسبت به شاعران دیگر می نویسد: «امیر خسرو شاعر معروف هند است و غزلیات او به سبک سعدی است: جلد سخنم دارد شیرازه ی شیرازی. به او طوطی هند می گفتند. امیر خسرو اعجوبه ای بود، کتب بسیار نوشته است و صیت شهرت او سرتاسر هند و ایران را درنوردیده بود. در مقدمه ی آثار متنوع خود، بحث های ارزشمندی در نقد ادبی و سبک شناسی دارد. در مقدمه ی غرّة الکمال، شاعران را به چند دسته تقسیم می کند:

۱- استاد تمام: کسی است که مخترع طرز و روش خاصی باشد، مثل: حکیم سنایی، انوری و نظامی.
۲- استاد نیم تمام: خود موجد طرز خاصی نیست، لیکن پیرو شیوه و طرز خاصی بوده و در آن به درجه ی کمال رسیده باشد.

۳- سارق: که معانی و مضامین دیگران را دستبرد می زند.

از نظر او استاد تمام چهار شرط دارد:

۱- مخترع طرز خاصی باشد.

۲- کلامش روی اسلوب شعرا بوده باشد.

۳- به طریقه ی صوفیان و واعظان نرفته باشد.

۴- از لغزش و اشتباهات مصون باشد.

سپس می گوید از این چهار شرط من فقط حایز دو شرط هستم ، سرقت نمی کنم و کلامم به طریقه ی ارباب و عظم و تصوّف نیست اما موجد طرز خاصی نیستم و کلامم از لغزش تهی نیست.

۲-۱ : بیان مسئله

برای بررسی محور فکری و شیوه ی سخن گویی هریک از بزرگان علم و ادب، باید در وهله ی اوّل آثار آنان مورد نقد و بررسی قرار گیرد. زیرا تنها راه پی بردن به قریحه و طبع این افراد و کسب آگاهی از شرایط روحی و تعاملات اجتماعی آنان، مطالعه ی آثار باقی مانده از ایشان است. البته این مطالعه باید همه ی جوانب اثر مورد مطالعه را در بر بگیرد. از آن جا که هر گوینده یا نویسنده ای مانند هر انسان

دیگر تا زنده است مقداری جوّ بغض گرداگرد خود دارد که شخصیت واقعی او را می پوشاند و باید چندی از عصر خود او بگذرد تا ارزش او بتواند خود را فارغ از هر نوع غرض ورزی نشان دهد. بنابراین در مورد امیرخسرو دهلوی نیز باید این قضیه را صادق دانست. هرچند خود امیرخسرو دهلوی به مانند برخی از شاعران در نقد شعر خویش هم انصاف به خرج داده و هم زیرکی، مانند یک منتقد واقعی.

از آنجا که امیرخسرو جزء شاعرانی است که پدرانشان با آمدن و مقیم شدن خود در هندوستان شماره ی زیادی از خود مردم آن دیار چه هندو و چه مسلمان را با زبان و ادبیات فارسی کاملاً آشنا ساخته اند و باعث شده اند که تعداد زیادی گوینده و نویسندۀ در آن دیار برخیزند که ستارگان تابان ادب فارسی در آسمان معارف هندی شوند، برای ما حایز اهمیت است.

او با آن که زندگی خویش را در خدمت سلاطین می گذرانده، اما از مصاحبت شیخ و پیشوای اعتقادی خود، نظام الدین اولیا، غافل نبوده چندان که درجه ی محرمیت اسرار وی یافته و همین عامل باعث ایجاد زمینه های فکری عرفانی در او شده و همین بازبستگی او به صوفیه و عرفا در غزلیات او تأثیر بسیار گذاشته است، همچنان که نمونه هایی از افکار صوفیانه را به وفور در غزلیات او مشاهده می کنیم. امیرخسرو یکی از پرکارترین شاعران پارسی گوی است که علاوه بر اطلاعات وسیع از زبان های فارسی و ترکی و عربی و ادبیات این هر سه زبان، به زبان هندی و ادب آن نیز آشنایی داشته است او لحنی خاص دارد که می توان آن را در شعرای فارسی زبان هند نیز مشاهده کرد و این سبک بود که به تدریج صورتی مخصوص کسب کرد و سبک معروف به هندی را به وجود آورد.

اما واقع آن است که آن چه مایه ی مزیت امیرخسرو شده است غزل اوست. غزل های او با وجود سادگی و لطف بیان که دارد غالباً آکنده است از درد و نیاز. نومیدی و اندوه تلخ و غم انگیزی نیز در سرتاسر آن موج می زند. عشقی که در این غزل هاست تجربه ی واقعی است؛ تجربه های قلبی که بیان آن غزل های امیرخسرو را نمونه ی واقعه گویی نشان می دهد و از آن ها می توان صدای روح شاعر را که زیر بار اندوه و پریشانی خرد و شکسته می شود شنید.

۳-۱ : سؤالات

ضمن تحلیل و نقد این اثر، به پرسش های زیر نیز پاسخ می دهیم:

۱- آیا او در زمینه ی شاعری طرز خاصی ابداع کرده است؟

- ۲- آیا او در لفظ و معنی از خطا مصون مانده یا در این زمینه دچار خطا شده است؟
- ۳- میزان تأثیر پذیری او در قالب ها و مضامین شعری از شاعران دیگر تا چه اندازه است؟
- ۴- دیوان او کدام ویژگی ها و مشخصه های شعری را به خود اختصاص داده است؟
- ۵- میزان تأثیر گذاری او در شاعران دوره های بعد تا چه اندازه است؟
- ۶- با توجه به این که خارج از مرزهای ایران پرورش یافته، محیط زندگی او تا چه اندازه در مضامین او مؤثر بوده است؟
- ۷- چه نقشی در به وجود آمدن سبک هندی داشته است؟

۴-۱ : فرضیه ها

- ۱- در غزل امیر خسرو یک موضوع و یک اندیشه به گونه ای پی گیر دنبال نمی شود و بسیار موارد دیده می شود که در یک غزل چند موضوع مختلف مانند عشق ، اندرز ، شکایت ، امیدواری ، تصوّف و بی توجهی به دین و اندیشه های فلسفی جلوه می کند.
- ۲- مسأله ی وحدت وجود محور فروزان سخن اوست که همه جا با نمود عشقی والا، مایه ی اندیشه های عرفانی او را تشکیل می دهد و غزل وی را والاتر و برتر می سازد.
- ۳- از صنایع گوناگون ادبی در جایگاه مناسب خود به نحو احسن استفاده شده است.

۱- ۵ : هدف و ضرورت تحقیق

با بررسی و تحلیل این اثر ادبی، می توان چهره ی واقعی امیر خسرو دهلوی را به دوست داران فرهنگ و ادب ایران زمین شناساند.

از آن جا که امیر خسرو سخنوری است که از حیث مولد و خاستگاه، در ورای مرزهای ایران زمین پرورش یافته و علاوه بر زبان آوری و سخن سنجی، تربیت یافته ی مرام و فرهنگی متفاوت با آن چه ایرانیان هم عصر او در سرزمینشان بدان ملتزم بوده اند است و از جانب دیگر نگارنده به سبب تعلق خاطر شدیدی که نسبت به زبان و فرهنگ پربر دری در خویش احساس می کرد تا مدت ها این امید را در

دل می‌پرورانید که شاید روزی آرزوی دیرینه جامه‌ی تحقّق بپوشد و با مطالعه و شناخت ریشه‌های عمیق این فرهنگ و خاستگاه‌های کهن آن، اقدام به فراهم آوردن اثری نماید که قادر باشد ضمن به نمایش گذاشتن گوشه‌ای از ظرایف و دقایقی که از مختصات این فرهنگ گران سنگ به شمار می‌آید نمونه‌ای در حدّ توان ارائه نماید. از این رو با مطالعه در احوال شاعران پارسی‌گوی و با خواندن و تتبع در دیوان‌های ایشان به این اندیشه افتاد که امیر خسرو دهلوی را برای این کار انتخاب نماید و از آن‌جا که گستردگی آثار این شاعر توانا اجازه نمی‌داد تا به تحقیق و تحلیل مبسوط در دواوین و ذوقیات شعری و هنری بپردازد لذا عزم آن یافت که از میان آثار متنوع او، دیوان غزلیات را انتخاب نموده و به تحلیل محتوایی و سبکی آن بپردازد تا پرده از روی این حقیقت مسلم برداشته شود که امیر خسرو علاوه بر این که طبق اظهارات خود شاعری تأثیرپذیر از شاعران ما قبل خود بوده، تأثیرگذار در شاعران دوره‌ی بعد نیز محسوب می‌شود. هرچند او به ناتوانی خود در شعر اعتراف می‌کند اما این اعتراف او را دلیل بر تواضع خالصانه‌ی او می‌توان دانست.

۱-۶: روش اجرای طرح

پس از مطالعه‌ی متون و استخراج مواد از منابع و مراجع و فیش برداری از آنها، به تجزیه و تحلیل مطالب و در نهایت به نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

۱-۷: پیشینه‌ی تحقیق

نگارنده تحقیقی را که به تحلیل محتوایی و سبکی و نقد دیوان اشعار امیر خسرو دهلوی بپردازد نیافت. اگرچه در برخی از کتب و رسالات دکترای و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد به بررسی گوشه‌هایی از دیوان و مثنوی‌های او پرداخته شده است.

۱- دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۳۷) در تذکره‌الشعرا خود درباره‌ی ویژگی‌های خاص الفاظ و معانی اشعار امیرخسرو می‌نویسد: کلمات او از شرح مستغنی است، ذات صفات او به غنایم عالم معنی، غنی و گوهر ایقان او در دریای عرفان است، عشق بازی حقایق را در شیوه‌ی مجاز پرداخته بلکه با عرایس نفایس عشق باخته، جراحات عاشقان مستهام را اشعار ملیح او نمک می‌پاشد و دل‌های شکسته‌ی

خستگان را زمزمه ی خسروانی او می خراشد، پادشاه خاص و عام است، از آتش خسرو نام است و در ملک سخنوری این نامش تمام است و در حقّ او مرتبه ی سخن گزاری ختم تمام است. دیوان امیرخسرو را فضلا جمع نتوانستند کرد، چه از روی انصاف تأمل نمودند که بحر در ظرف و علم لدنی در حرف نگنجد، عجب است در بعضی از سخنان اطناب و در بعضی ایجاز، هرآینه ایجاز و فصاحت و بلاغت مرغوب و مطلوب است. القصّه معانی خاص و نازکی های امیر خسرو و کلام دلسوز او آتش در نهاد خاکیان می زند و بنیاد صبر عاشقان بر می کند.

۲- صادق رضا زاده ی شفق (۱۳۴۸) در کتاب خود تحت عنوان تاریخ ادبیات ایران درباره ی لحن خاصّ امیرخسرو می نویسد: امیر خسرو را از جهت کثرت اشعاری که به او نسبت داده اند و از آن چه از او باقی مانده می توان شاعری درجه ی اوّل شمرد. او لحنی خاصّ دارد که آن در دیگر شعرای پارسی زبان هند نیز به تفاوت مراتب دیده می شود و این سبک بود که به تدریج صورتی مکتوب کسب کرد و سبک معروف به هندی را به وجود آورد.

می توان گفت قصاید این شاعر از غزلیاتش متین تر است و در این موضوع از سخن گویانی چون خاقانی، سنایی، نظامی و سعدی پیروی کرده است. به مانند خاقانی قصاید دور و درازی دارد، غزل هایش از حدّ معمول غزل نگذشته و موضوع آن بیشتر مضامین عاشقانه است. او را می توان بزرگ ترین شاعر ایرانی مقیم هند نامید. قریحه اش گویا و روان بوده در نظم سخن، سرعت خیال و جودت طبع داشته است. شعر او مانند دیگر شعرای هند لحن و لطافت خاصی دارد و در استعمال بعضی لغات و ترکیبات تا حدّی از اصطلاح معمول شعرای ایران دور می شود. باید گفت با وجود ذوق و استعداد و طبع و قنّاد که امیرخسرو راست، الحق در عذوبت الفاظ و رقت معانی هرگز به پای مقتدای خود، نظامی، نمی رسد.

۳- محمود هدایت (۱۳۵۳) در کتاب خود تحت عنوان گلزار جاویدان درباره ی جایگاه امیر خسرو در میان شاعران دیگر و پیروی از نظامی می نویسد: از اعظم فصحا و شعرا و از اماجد امرای زمان خود بوده است. امیر را در شعر و شاعری مهارتی بسزا بوده و خمسه نظامی را به رشته ی نظم کشیده است و اشعار بسیار دیگر به فارسی و تازی دارد که گویند از چهارصد هزار بیت متجاوز است.

۴- یان ریپکا (۱۳۵۴) در کتاب خود تحت عنوان تاریخ ادبیات ایران درباره ی تقلید او از شاعران دیگر می نویسد: امیرخسرو کوشاست که از خاقانی و دیگر استادان مقدم قصیده اقتفا کند بدون آن که همانند آنان مغلق و پیچیده گوید. ولی بعداً از کمال الدین اصفهانی که سبکی کاملاً نوین دارد سرمشق

می گیرد. امیرخسرو در غزل های خود از سعدی پیروی می کند بدون آن که پا از دایره ی مضامین سنتی فراتر بگذارد. این غزلیات لاقلاً در هندوستان سخت مورد پسند عامه بود. کثرت اشعار و تنوع و حجم مجموعه ها بهترین گواه بر این معنی است. اهمیت این شاعر هندی در ادبیات فارسی مرهون داستان های رمانتیک الهام بخش و مخصوصاً خمسه ی اوست. با وجود آن که شیوه ی بیان بسیار متکلف بود و بر اثر آن سبکش مدام شباهت بیشتری بالاخص با آثار هندی می یافت، از لحاظ برگزیدن کلمات و هم چنین در زمینه ی معانی و بیان از استادانی چون خاقانی، سنایی، سعدی و نظامی پیروی می کند.

۵- ذبیح الله صفا (۱۳۷۱) در کتاب خود با عنوان تاریخ ادبیات در ایران درباره ی سبک خاص امیرخسرو می نویسد: امیرخسرو علاوه بر اطلاعات وسیع از زبان های فارسی و ترکی و ادبیات این هر سه زبان، به زبان هندی و ادب آن آشنایی داشته و یکی از پرکارترین شاعران پارسی گوی و در این باب حقاً کم نظیر است. در اشعار خسرو خواننده به سبک های مختلف باز می خورد، یعنی در هر نوع از انواع شعر روش های خاصی به نظر خواننده ی اشعار او می رسد که در نوع دیگر نمی بیند. علت آن است که خسرو از طرفی شعر را به صرافت طبع و از اوان کودکی آغاز کرد و قادر بود که به هر نحو که می خواهد در آن عمل کند و از طرفی دیگر در حین تتبع و تحقیق دیوان های استادان تحت تأثیر شیوه ی آنان قرار می گرفت و با طبع نیرومند و بسیار روان و مقتدر خود بی رنج و تعبی آثار آنان را به همان شیوه ای که داشتند جواب می کند. به یاری طبع روان و حدت ذهن امیرخسرو و نیز به سبب این که در محیط جدیدی از ادب فارسی تربیت شده و لهجه ای نو و ترکیباتی تازه و اندیشه هایی خاص نصیبش شده بود طبعاً تازگی های بسیار در سخن وی مشاهده می شود و بسی از مضامین نو و ابیات منتخب در آثار او ملاحظه می گردد و مسلماً به همین سبب است که شاعران و نویسندگان بعد از او بارها به استادی یاد کرده اند.

۶- عبدالحسین زرین کوب (۱۳۷۳) در کتاب خود تحت عنوان با کاروان حله درباره ی طبع آزمایی امیرخسرو در زمینه های گوناگون می نویسد: خسرو در شاعری تا حد زیادی به شیوه ی قدما نظر دارد. خود او که با دقت و بی طرفی آثار خود را انتقاد می کند در مقدمه ی یک دیوان - غرّة الکمال - خویش اعتقاد دارد که در شعر استاد نیست. این اعتراف بی شک از فروتنی درویشانه ی او مایه دارد. درست است که او چنان که خود می گوید، نه طرز خاصی اختراع کرده است و نه در لفظ و معنی از خطا مصون مانده است لیکن بیانش قوی، طبیعی و استادانه است. تنوع سبک که در آثار او محسوس است رنگ

خاصی به شعر او می دهد. هیچ فنی از فنون شعر و حتی هیچ سبکی از اسالیب مهم قدما نیست که خسرو کم و بیش در آن طبع آزمایی نکرده باشد. حتی از توجه به صنعت و تکلف نیز غافل نمانده است.

۷- نظمی تبریزی (۱۳۷۸) در کتاب خود تحت عنوان دویست سخنور درباره ی مهارت امیرخسرو در قالبهای مختلف شعری می نویسد: امیر خسرو چون از امیرزادگان دربار هند بود از آغاز جوانی به خدمت پادشاهان هندی درآمد و همواره از لطف و عنایت ملوکانه ی ایشان برخوردار بود. او در نظم و نثر فارسی دستی قوی داشت و از استادان شعر و ادب به شمار می رفت و از این جاست که او را سعدی هندوستان گفته اند. امیرخسرو در اقسام شعر مانند: غزل، قصیده و مثنوی مهارت کامل داشته است و همه ی سروده های او از شاهکارهای زبان فارسی است. در شعر الفاظ رقیق و معانی دقیق را با استادی به کار گرفته است.

۸- مصطفی رئیسی بهان (۱۳۷۸) در چکیده ی رساله ی خود تحت عنوان تحقیق و بررسی جنبه های ادبی و عرفانی در دیوان امیرخسرو دهلوی درباره ی جنبه های ادبی و عرفانی اشعار امیرخسرو دهلوی می نویسد: این رساله شامل پنج فصل است. در فصل اول که شرح احوال و آثار امیرخسرو است، سعی شده آن چه پیرامون زندگی شخصی امیر شایان گفتن است مکتوب گردد. در فصل دوم که اصلی ترین بخش این رساله است، اکثر صنایعی که از دیوان امیر استخراج گردیده به ترتیب بسامدها به نگارش درآمده است. فصل سوم اختصاص به ویژگی های دستوری شعر خسرو دارد. فصل چهارم که تقریباً کوتاه است مختصری پیرامون مسائل عروضی در شعر خسرو صحبت شده است و بالاخره در فصل پنجم به شناخت خسرو از دیدگاه عرفانی اختصاص داده شده است.

۹- علی قلی واله ی داغستانی (۱۳۸۴) در تذکره ی ریاض الشعرا ی خود درباره ی برتری اشعار امیرخسرو نسبت به شاعران دیگر می نویسد: که امیرالشعرا است و خسرو بلغا؛ شرح کمالاتش زیاده از آن است که در این اوراق گنجایش تحریر داشته باشد. در جمیع فنون هنرمندی و فضایل سرآمد گردیده، تصانیف عالی به هر فنی به یادگار گذاشته و در نظم و نثر صاحب معجزه بوده است. در فن شاعری کار به جایی رسانیده که دست شعرا ی فلک به دامن جاهش نمی رسد. الحق بعضی از افکار بلاغت آثارش چنان افتاده که هریک با صد هزار بیت برابری می کند.

با توجه به پیشینه ی یاد شده، هرکدام از پژوهشگران مذکور جنبه ای از جنبه های زندگی و شعری او را مورد پژوهش قرار داده اند. به عنوان نمونه، علی قلی واله ی داغستانی به بررسی جایگاه او در میان

شاعران دیگر و امتیازات اشعار او پرداخته است. ذبیح الله صفا چگونگی تأثیر پذیری او را از محیط تربیت و پرورش او که خارج از مرزهای ایران بوده، مورد بحث و بررسی قرار داده و مصطفی رئیسی بهان به بررسی جنبه های ادبی و عرفانی در دیوان امیر خسرو پرداخته است. اما در این پژوهش تلاش شده تا دیوان امیر خسرو از دو جنبه ی محتوایی و سبک شناسی مورد تحلیل قرار گرفته، آن گاه به نقد درونی و بیرونی آن پرداخته شود. امید است که جوانان دوست دار ادب فارسی اطلاعاتی را که در مورد اشعار امیر خسرو به آنها نیاز دارند از آن کسب کنند.